

شیوه‌شناسی شرح حال‌نگاری در تاریخ اسلام

(تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۱۷)

محمد رضا شهبازی*

چکیده

شرح حال‌نگاری یا تراجم، از شاخه‌های مهم تاریخ اسلام است. این موضوع همواره در اسلام مورد توجه ویژه دانشمندان و تاریخ‌پژوهان اسلامی بوده است. سبک‌ها و شیوه‌های متنوعی در این زمینه به کار برده شده است؛ آشنایی با این سبک‌ها و منابع آنها، برای یافتن شرح حال افراد مختلف و استفاده از این منابع اهمیت زیادی دارد. در این مقاله سعی شده است ضمن تعریف شرح حال‌نگاری، سبک‌های مهم آن بیان و به برخی منابع مهم هر سبک اشاره و نکات و مشکلات آن ذکر شود.

واژگان کلیدی: تراجم، علم رجال، سبک‌شناسی، سیره، شرح حال‌نگاری، تاریخ اسلام.

مقدمه

علم تاریخ، به مطالعه و شناخت گذشته انسان‌ها و جوامع بشری می‌پردازد. (ملائی توانی، ۱۳۸۶: ۲۳) سابقه ثبت وقایع حوادث گذشته که همان اسناد تاریخی هستند، به قبل از اسلام یعنی پنج هزار سال گذشته برمی‌گردد. (درباره توجه مردمان قبل از اسلام به ثبت اسناد تاریخی و توجه مسیحیان به تاریخ ر. ک: ایزدی، ۱۳۷۵: ۱۲۲-۱۱۸) ظهور اسلام همچنان‌که در ابعاد مختلف فرهنگی و علمی تأثیرات بزرگی به بار آورد، در زمینه تاریخ‌نگاری نیز، میراثی بسیار غنیتر و متنوع‌تر از دیگر آئین‌ها بر جای گذاشت. آنچه در آثار تاریخی مسلمان‌ها بیشتر جلب توجه می‌کند، عنایت مورخان مسلمان به بعد اخاقی و فواید عملی تاریخ است. تاریخ انبیاء، سیره رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله)، تاریخ امت‌ها و قرون، تاریخ جنگ‌های رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله)، تاریخ فتوح، تاریخ خلفا، تاریخ سلاطین، تاریخ وزیران، تاریخ شهرها

و کشورها، تاریخ مذاهب و فرقه‌ها، تاریخ طبقات رجال، تاریخ حوادث و وفیات، تاریخ آرامگاه‌ها و زیارتگاه‌ها، سفرنامه‌ها، کتاب‌های احکام السلطانیه و مسائل اداری مالی، تاریخ حوادث و قیام‌ها (مقاتل) و ... از موضوعاتی هستند که توجه مورخان مسلمان را به خود جلب کرده‌اند. (ایزدی، ۱۳۷۵: ۱۲۲-۱۱۸) حاصل پرداختن به تاریخ و ثبت آثار و احوال گذشتگان، در میان دانشمندان و مولفان اسلامی، نگاشته‌های فراوان و سترگ در حوزه‌ها و شاخه‌های مختلف تاریخ، از ابتدای اسلام تاکنون بوده است. در این میان، آثار مربوط به تاریخ اسلام، فراوانی و برجستگی روشنی دارد. تاریخ اسلام، حوزه‌ها و شاخه‌های متعددی دارد؛ برخی، شاخه‌های مختلف تاریخ را تا ۳۷ شاخه می‌شمارند (آئینه‌وند، ۱۳۷۷: ۱، ۲۳۷-۲۳۹) که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

الف) سیره و مغازی؛

ب) فتوح و مقاسم؛

ج) خراج و حسبه‌نگاری؛

د) سبیر (روابط بین‌الملل اسلامی)؛

هـ) مقاتل؛

و) رده؛

ز) انساب؛

ح) طبقات و تراجم؛

ط) رحله‌نگاری و وفدنگاری؛

ی) منقبت‌نگاری؛

ک) خط‌نگاری؛

ل) تاریخ مدن و بلاد مسالک و ممالک؛

م) ایام و انواء (میسر و قداح).

یکی از حوزه‌های مهم تاریخ اسلام، شرح حال‌نگاری و تراجم می‌باشد. علاوه بر اینکه بخش‌هایی از تاریخ اسلام به طور مستقل به شرح حال‌نگاری اختصاص دارد، برخی شاخه‌های دیگر نیز به نوعی با شرح حال‌نگاری رابطه نزدیک دارند. برای مثال «مقتل‌نگاری» هر چند شرح حال تلقی نمی‌شود، ولی در بخشی از آن، شرح حال افراد مرتبط با مقتل مورد بررسی قرار می‌گیرد. «انساب» هم، که شاخه مهمی از تاریخ است و به عنوان علم مستقلی که به نسب و اجداد و قبایل اشخاص می‌پردازد، تلقی می‌شود، گاه با شرح حال‌نگاری ارتباط می‌یابد. بخش‌های دیگر تاریخ اسلام نیز با شرح

حال‌نگاری ارتباط دارد؛ زیرا موضوع علم تاریخ، انسان و زمان است. (سخاوی، ۱۴۰۳: ۷) و همیشه یک طرف رویدادهای تاریخی، اشخاص و افراد می‌باشند. از آغاز تاریخ اسلام توجه به ضبط و ثبت احوالات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بزرگان دین و علما و کسانی که به نوعی در تاریخ نقش داشته‌اند، همواره مورد توجه دانشمندان تاریخ‌پژوه اسلامی قرار داشته است.

بحث و بررسی

۱- کلیات

۱-۱- تعریف شرح حال و تراجم‌نگاری

در تاریخ اسلام از شرح حال‌نگاری اغلب به «تراجم» یاد می‌شود. تراجم، جمع «تَرْجُمان» و «تَرْجُمان» به معنای مفسر و بیان‌کننده زبان و تبدیل کلام یک زبان به زبان دیگر است. (جوهری، ۱۹۹۰: ۵، ۱۹۲۵: ابن‌سیده، ۱۴۲۱: ۷، ۴۲۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۶، ۷۳؛ ابن‌منظور، ۱۳۲۸: ۱۲، ۲۲۹؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۶، ۲۱؛ نفیسی، ۱۳۴۳: ۲، ۸۴۷) به طور دقیق معلوم نیست که از چه زمانی این واژه در معنای زندگی‌نامه به کار رفته است. برخی از محققان معاصر این واژه را برگرفته از زبان‌های سامی می‌دانند که در زبان عربی داخل شده است. محققان ایرانی آن را «ترزبان» فارسی دانسته‌اند. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵، ۶۶۰۸) این که اصل واژه «تراجم» از کدام زبان وارد عربی شده است و معنای آن در زبان اصلی چه چیزی بوده است، در کاربرد خاص آن در تاریخ‌نگاری اسلامی در معنای جدید، یعنی زندگی‌نامه و شرح حال افراد، تأثیری ندارد. وضع این کلمه در این معنا از ابداعات مسلمانان است. (آئینه‌وند، ۱۳۷۷: ۱، ۳۲۴، پاورقی) و شاید اطلاق تراجم به شرح حال‌نگاری از این جهت باشد که در شرح حال‌نگاری زندگی و احوال افراد تبیین و روشن می‌شود. در هر حال، به کسی که شرح حال افراد را می‌نگارد، «مُتَرَجِم» و به شخصی که شرح حال او نگاشته می‌شود، «مُتَرَجِم» می‌گویند. در علم تراجم یا شرح حال‌نگاری، زندگی بزرگان و علما و افرادی که به نوعی در تاریخ نقش داشته‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. به طور کلی دو گروه در شرح حال‌نگاری بیش از همه مورد توجه قرار گرفته‌اند: گروه اول انسان‌های صالح و نیک، که تأثیرات مهم و مثبتی در تاریخ داشته‌اند، و گروه دوم انسان‌های ناصالح که تأثیرات مهم منفی در تحولات تاریخی داشته‌اند.

۲-۱- رابطه شرح حال نگاری با علوم دیگر

رابطه شرح حال نگاری با علم انساب - که هر چند شاخه‌ای از علم تاریخ است، ولی به عنوان علم مستقل نیز مطرح است - این است که موضوع علم انساب، شناخت نسب و تبار و دوده است، اما تنها بخشی از علم شرح حال نگاری مختص شناسایی نسب و اجداد و قبیله افراد است. بنابراین داده‌های علم انساب در شرح حال نگاری نیز کاربرد دارد.

شرح حال نگاری با علم رجال نیز رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. از آنجا که بخش قابل توجهی از افرادی که در شرح حال نگاری مطرح هستند، روایان احادیث و اخبار می‌باشند و بررسی هویت و احوال آنها در علم رجال نیز مطرح است، بنابراین این دو علم اشتراکاتی با هم دارند؛ با این تفاوت که در شرح حال نگاری به تمام احوال زندگی مترجم پرداخته می‌شود، در حالی که در علم رجال تنها به جنبه‌هایی از احوال روایان پرداخته می‌شود که در تشخیص هویت و قبول یا رد خبر آنها مؤثر است. (سبحانی، ۱۴۱۴: ۱۱؛ سیوطی، ۱۴۱۷: ۱، ۲۱) البته از آنجا که بخشی از علم رجال به بحث از قواعد و مبانی آن اختصاص دارد، بنابراین رابطه علم رجال با تراجم و شرح حال نگاری، عموم و خصوص من وجه است.

شرح حال نگاری با سیره هم ارتباط نزدیکی دارد؛ زیرا که در سیره، احوال معصومان (علیهم السلام) بحث می‌شود و غالب اطلاعات درباره زندگی معصومان (علیهم السلام) را باید در کتب سیره جستجو کرد و از آنجا که معصومان نیز از افراد تأثیرگذار در تاریخ بوده‌اند، در علم شرح حال نگاری نیز به شرح حال ایشان توجه می‌شود.

۳-۱- اهمیت و فوائد شرح حال نگاری

مسلمانان با الهام از قرآن کریم و احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) همواره به مطالعه احوال و آثار گذشتگان اهتمام می‌ورزیدند. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این باره در وصیت به فرزندش حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) می‌فرماید:

پسرم، درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آنان نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویا یکی از آنان شدم، بلکه با مطالعه تاریخ آنان گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام. پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم و زندگی سودمند آنان را با دوران زیانبارشان شناسایی کردم (شریف رضی، ۱۳۸۱: ۵۲۳، نامه ۳۱)

درباره اهمیت و فوائد مطالعه تاریخ و شرح حال انسان‌های گذشته مطالب زیادی بیان شده است. بخشی از این فواید عبارت‌اند از:

۱- تواریخ و یادکرد سیره‌ها باعث عبرت‌گیری انسان می‌شود و انسان با آگاهی از احوال نیکان، راه نیکوکاری را می‌آموزد و با آگاهی از احوال بدکاران، بدکاری را می‌شناسد و از آن دوری می‌جوید.

۲- اگر از فواید تاریخ برای انسان جز همین یک پند که «روزگار به یک حال نماند و دوام ندارد» نبود، برای آنکه از سر تأمل بدان بنگرد، کافی بود.

۳- انسان، با مطالعه تاریخ و احوال و آثار پیشینیان، از تجربه‌های دیگران، بدون آنکه عوارض آن را متحمل شود، بهره می‌برد.

۴- مطالعه تاریخ و احوال و آثار گذشتگان باعث افزایش خرد می‌شود.

۵- کسی که در تاریخ و احوال و آثار گذشتگان مطالعه کند، علاوه بر دریافت تجربه‌های دیگران، مثل آن است که با عقلای عالم مشورت کرده باشد. این مشورت بالاتر از مشورت با معاصران و آشنایان است؛ زیرا گاه معاصران در مشورت از سوء نیت بری نیستند و ممکن است در مواردی خاص، نفع خود را بر نفع کسی که مشورت خواسته است، ترجیح دهند، اما پیشینیان بدون هیچ سوء نیتی تجارب خود را در اختیار فرد قرار می‌دهند.

۶- آگاهی از احوال و آثار گذشتگان اسلام فایده خاصی در قبول یا رد سخنانی که به واسطه ایشان به دست ما رسیده است، دارد؛ چرا که بسیاری از ایشان راویان اخبار و سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصوم (علیهم السلام) هستند و اطمینان از صداقت راویان، ما را در اطمینان یافتن از اصالت سخنان منتسب به معصومان یاری می‌رساند. (ر. ک: سخاوی، ۱۴۰۳: ۷؛ بیهقی، بی تا: ۷-۳، مقدمه؛ بلخی، بی تا: ۷-۹، مقدمه؛ آئینه‌وند، ۱۳۷۷: ۱، ۸۰-۶۳)

۲- سیر نگارش شرح حال بزرگان در تاریخ اسلام

با توجه به اهمیت و فواید ثبت و گزارش آثار و احوال و وقایع مربوط به بزرگان، نویسندگان مسلمانان از همان صدر اسلام به ثبت و گزارش شرح حال بزرگان در نوشته‌هایشان توجه نشان دادند. اخبار و سیره بزرگان، به ویژه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و صحابه آن حضرت، در صدر اسلام و حدوداً تا پایان قرن نخست هجری به صورت شفاهی نقل می‌شد. (آئینه‌وند، ۱۳۷۷: ۱، ۱۲۷ و ۱۲۸) ولی با گذشت زمان کم‌کم به نوشتن آنها همت گماشته شد. در نقل شفاهی، رواتی مثل ابان بن عثمان (م

۹۵ یا ۱۰۵)، عروة بن زبیر (م ۹۴)، شرحبیل بن حسنه (م ۱۲۳) و ابن شهاب زهری (م ۱۲۴) شرکت داشتند. اینها سیره و مغازی را نقل می‌کردند. (آئینه‌وند، ۱۳۷۷: ۱۲۷ و ۱۲۸) اولین کسی که درباره ضبط و ثبت وقایع مربوط به بزرگان کتاب نوشته است، عبیدالله بن ابی‌رافع است. وی کتابی به نام من شهد من الصحابه مع امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام نوشت. وی از اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ثقه و مورد اعتماد جمیع مذاهب اسلامی و کاتب امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود. علمای رجال و مورخان شیعه و برخی از مورخان اهل سنت، عبیدالله را اولین کسی می‌دانند که کتابی در موضوع تاریخ در اسلام نوشته است. (نجاشی، ۱۴۱۶: ۴۶، مقدمه؛ صدر کاظمی، ۱۳۷۵: ۲۳۵-۲۳۲؛ آئینه‌وند، ۱۳۷۷: ۱، ۱۳۱ و ۱۳۲) بعد از عبیدالله، افراد دیگری نیز در زمینه تاریخ کتاب نوشته‌اند. کتبی در خانه ابو عبید بوده است که بعضی از علما از آن به عنوان دیوان عرب یاد کرده‌اند. جاحظ از ابو عمرو بن علاء نقل کرده است که کتاب‌هایی که او درباره فصیحان عرب نوشته، خانه‌ای را تا سقف پر کرده است. (آئینه‌وند، ۱۳۷۷: ۱، ۱۳۱ و ۱۳۲، به نقل از تاریخ العربی والمورخون، ۹۵ و ۹۶)

در قرن دوم، اخباریان،^(۱) اخبار و حوادث تاریخ اسلام و جامعه اسلامی را از زبان شاهدان و راویان می‌شنیدند و می‌نوشتند. از میان این تاریخ‌نگاران می‌توان از ابومخنف (م ۱۵۷) که سی و دو کتاب تحت عناوین رده، فتوح، سیره خلفای راشدین و ... نوشته است، یاد کرد. همین شخص کتابی در زندگی معاویه و امویان نوشته است. (آئینه‌وند، ۱۳۷۷: ۱، ۱۳۰-۱۲۸) نگارش و ضبط و ثبت اخبار و وقایع و احوال در قرن سوم نیز ادامه داشت و بلکه گسترده‌تر نیز شد. هشام بن محمد بن سائب کلبی (م ۲۰۴)، صد و پنجاه کتاب در موضوعات مختلف همانند مآثر، کنیه‌ها، مثالب،^(۲) اخبار، اوصاف و اولاد و زنان خلفا و ... نوشته است. هیثم بن عدی (م ۲۰۸) حدود پنجاه کتاب درباره انساب، قبایل، خوارج، موالیان شهرها و ... تألیف کرده است. واقدی (م ۲۰۷) بیست و هشت عنوان کتاب در موضوعات اخبار مکه، همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله)، سقیفه، زندگی ابوبکر، مقتل امام حسین (علیه السلام) و ... نوشته است. نصر بن مزاحم منقری (م ۲۱۳) تألیفاتی با عناوین جمل، صفین، مقتل الحسین (علیه السلام)، مقتل حجر بن عدی، اخبار المختار و اخبار الائمه و ... تألیف کرده است. (آئینه‌وند، ۱۳۷۷: ۱، ۱۳۰-۱۲۸)

۱. منظور از اخباریان در اینجا اصطلاح رایج آن نزد محدثان نیست، بلکه کسانی است که به نقل اخبار و سیره گذشتگان می‌پرداختند.

۲. «مثالب» در مقابل «مناقب» - که به فضایل و محسنات افراد می‌پردازد - عیوب و زشتی‌های افراد را بیان می‌کند.

با گذشت زمان کتاب‌های نگاشته‌شده در موضوع تاریخ و اخبار، از موضوعات پراکنده به کتاب‌هایی جامع و کامل تبدیل می‌شدند. خلیفه بن خیاط (م ۲۴۰)، ابن قتیبه دنیوری (م ۲۷۰) صاحب الاخبار الطوال، یعقوبی (م ۲۸۴) و طبری (م ۳۱۰) در این زمینه گام برداشتند. (آئینه‌وند، ۱۳۷۷: ۱، ۱۳۱ و ۱۳۲) در این دوران است که تاریخ‌نگاری رجالی نیز مورد توجه قرار گرفت. افزایش راویان احادیث و پراکندگی آن‌ها باعث شد کتاب‌هایی تألیف شوند که در آن‌ها به احوال راویان احادیث پرداخته شود و اطلاعات آن‌ها گردآوری شود. این‌گونه کتب، قبل از این، به صورت پراکنده و جزئی تألیف می‌شده‌اند، ولی در این زمان لزوم جمع کردن آن‌ها و تدوین کتاب‌هایی جامع در زمینه شرح حال راویان مطرح شد. بنابراین، برخی از علما به این امر اهتمام ورزیدند. یکی از این عالمان محمد بن سعد (م ۲۳۰) مشهور به «کاتب واقدی» است که کتاب الطبقات الکبری را تألیف کرد و اطلاعات راویان احادیث را در این کتاب گردآوری کرد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، اولین کتاب‌هایی که در تاریخ اسلام نوشته شده، شامل اخبار و احوال افراد و بزرگان می‌باشد. سیره و زندگانی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بیش از همه، از جهات مختلفی مورد توجه قرار گرفته است، بدان حد که سیره‌نویسی به عنوان یک رشته تخصصی در تاریخ اسلام در آمده است. بعد از سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله)، احوال و شخصیت اصحاب آن حضرت بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در میان صحابه نیز خلفای چهارگانه بیش از همه مورد توجه بوده‌اند و از آنجا که حکومت مسلمانان به مدت چند قرن در دست بنی‌امیه و بنی‌عباس بود، بخشی از کتاب‌های شرح حال‌نگاری به زندگانی، اخبار و احوال خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس اختصاص یافته است.

در میان شیعه نیز از همان ابتدا مهم‌ترین مسئله در شرح حال‌نگاری، سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه اهل بیت (علیهم السلام) بوده است. در میان ائمه، سیره و شرح حال و مقتل حضرت اباعبدالله (علیه السلام) بیش از بقیه مورد توجه قرار گرفته است. از دانشمندان شیعی که به نگارش تاریخ و احوال و آثار پرداخته‌اند، می‌توان از ابان بن تغلب صاحب کتاب صفین، لوط بن یحیی صاحب اخبار ابوحنیفه و اخبار زیاد و اخبار حجاج و مقتل حجر بن عدی و ... نصر بن مزاحم منقری صاحب اخبار مختار و اخبار عمر بن ابراهیم، هشام بن محمد بن سائب کلبی صاحب اخبار قریش، ابراهیم بن محمد ثقفی صاحب اخبار مختار و اخبار عمر و اخبار عثمان و کتاب التاریخ، محمد بن عمر واقدی صاحب کتاب‌های السیره و تاریخ الفقهاء و التاریخ الکبیر و ... یاد کرد. (صدر کاظمی، ۱۳۷۵: ۲۳۵-۲۳۲)

۳- سبک‌ها، گونه‌ها و محورهای شرح حال‌نگاری

مورخین و علمای تاریخ با روش‌ها و سبک‌های گوناگون دست به تدوین زندگانی و شرح حال افراد مختلف زده‌اند که احصای همه آن‌ها - که هر روز به تنوع و کثرت آن افزوده می‌شود - و تقسیم‌بندی آنها کاری بس مشکل است، ولی با مطالعه اجمالی و بررسی تألیفات در این زمینه می‌توان روش‌ها و سبک‌ها را به صورت کلی مشخص کرد. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آثار شرح حال‌نگاری را به چند دسته و سبک تقسیم کرد:

۱- شماری از این آثار به شرح حال اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) اختصاص دارد. نگاه ویژه مسلمانان، به ویژه اهل سنت، به اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) باعث شده است که آثار بسیاری در این زمینه سامان یابد. از آنجا که اهل سنت همه صحابه را عادل و کلام آنها را حجت می‌دانند، (ابن‌ابی‌حاتم رازی، ۱۳۷۱: ۱، ۷) تمام تلاش خود را برای شناسایی صحابه به کار برده‌اند. از این نوع کتاب‌ها می‌توان به *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب* تألیف ابن عبدالبر (۳۶۸ - ۴۶۳)، *معرفة الصحابه* از ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰)، *اسدالغابة فی معرفة الصحابه* اثر ابن اثیر (م ۶۳۰) و *الاصابة فی تمييز الصحابه* از ابن حجر عسقلانی (م ۸۰۲) اشاره کرد. برخی از این نوع کتاب‌ها به معرفی اصحاب ائمه (علیهم السلام) نیز پرداخته‌اند که از جمله این کتاب‌ها می‌توان از *تحفة الابواب فی نوادر آثار الأصحاب* تألیف شیخ عباس قمی یاد کرد. البته باید توجه داشت که آن تلقی‌ای را که اهل سنت نسبت به صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارند و همه آنها را عادل می‌دانند، شیعه نسبت به اصحاب ائمه (علیهم السلام) ندارد.

۲- در برخی کتاب‌های تراجم تنها شرح حال راویان احادیث ذکر می‌شود. تعداد این گونه کتاب‌ها و نوع و شیوه‌های تألیف آن‌ها فراوان است. از این دست کتاب‌ها می‌توان *طبقات ابن‌سعد، التاريخ الكبير و التاريخ الصغير* بخاری، *تهذیب الکمال* مزی، *میزان الاعتدال* ذهبی، *لسان المیزان* ابن حجر عسقلانی، *تنقیح المقال* مامقانی، *معجم رجال الحدیث* ابوالقاسم خویی و ... را نام برد. درباره این نوع کتاب‌ها در علم رجال بحث می‌شود.

۳- برخی از کتاب‌های تراجم، شرح حال افراد را در قالب شهرها آورده‌اند. مؤلفان این نوع کتاب‌ها شهرها یا مناطق خاصی را در نظر می‌گیرند و افرادی را که به این شهرها یا مناطق تعلق داشته باشند، معرفی می‌کنند. اغلب مؤلفان این نوع کتب اهل همان شهر یا منطقه می‌باشند. برخی از مهم‌ترین این کتاب‌ها عبارت‌اند از:

تاریخ بغداد تألیف خطیب بغدادی (م ۴۶۳)، *تاریخ إصبهان* اثر ابونعیم اصفهانی، *التدوین فی أخبار القزوين* تألیف رافعی (ق ۶)، *تاریخ النبلاء بتاریخ الحلب* الشهباء از

محمد راغب طبایح حلبی، تاریخ جرجان اثر ابوالقاسم حمزة بن یوسف سهمی (م ۴۲۷)، تاریخ مکه تألیف ازرقی (م ۲۲۳)، الإحاطة فی اخبار غرناطه از لسان‌الدین ابن‌الخطیب (م ۷۷۶)، عنوان الدراییة فی من عرف من العلماء ببجائیة تألیف غبرینی، الجامع لأعلام الیمن از سیدمحمد بامطرف، تاریخ اربل تألیف ابن‌مستوفی، أمل الآمل تألیف شیخ حر عاملی، أنوارالبدرین از شیخ علی بحرانی و مفصل‌ترین این آثار تاریخ مدینة دمشق ابن‌عساکر (۴۹۹-۵۷۱) است که در چاپ‌های جدید به هشتاد مجلد رسیده است.

۴- برخی از منابع شرح حال‌نگاری بر اساس زمان نوشته شده است. مؤلفان این‌گونه کتاب‌ها، زمان خاصی را در نظر می‌گیرند و اعلام و بزرگان مربوط به آن زمان را معرفی می‌کنند. از این‌گونه کتاب‌ها می‌توان از آثار زیر یاد کرد: مختصر مائة السابعة تألیف علم‌الدین برزالی (م ۷۳۹)، البدر السافر اثر ادفوی (م ۷۱۸)، تاریخ الإسلام شمس‌الدین ذهبی، الدرر الكامنة فی أعیان المائة الثامنة از ابن‌حجر عسقلانی (م ۸۵۲)، الصّوء اللامع فی أعیان القرن التاسع اثر شمس‌الدین سخاوی (م ۹۰۲)، النور السافر عن أخبار قرن العاشر تألیف عبدالقادر بن عیدروسی (م ۱۰۳۸)، الکواکب السائرة فی أعیان المائة العاشرة اثر نجم‌الدین محمد بن محمد غزی (م ۱۰۶۱) و طبقات أعلام الشیعة مرحوم آقابزرگ تهرانی که اعلام قرن چهارم تا چهاردهم را معرفی کرده و برای هر قرن عنوان خاصی را قرار داده است.

۵- برخی از کتاب‌های شرح حال بر اساس اشخاص نوشته شده است؛ در این‌گونه کتاب‌ها زندگی‌نامه و مناقب یا مثالب شخص خاصی را بیان می‌کنند. کتاب‌های سیره و مناقب معصومان (علیهم السلام) از این نوع کتاب‌ها هستند.^(۱) به غیر از کتاب‌های سیره برخی از این نوع کتاب‌ها عبارت‌اند از: کتاب الیمنی (زندگی محمود غزنوی) تألیف عتبی (م ۴۲۷)، سیره الشافعی تألیف فخرالدین رازی (م ۶۰۶) و ...

۶- برخی از کتاب‌های شرح حال بر اساس زندگی خود شرح حال‌نگار (السیره الذاتیه)^(۲) نوشته شده‌اند. در این نوع کتاب‌ها، نویسنده شرح حال خود را با قلم خود می‌نگارد. از این‌گونه نوشته‌ها می‌توان از الإعتبار تألیف أسامة بن منقذ (م ۵۸۴) یاد کرد. برخی از دانشمندان اسلامی مثل ابوعلی سینا، ابن‌خلدون، ابن‌جبیر و سیوطی

۱. با توجه به اینکه بحث سیره و مناقب معصومین (علیهم السلام) شعبه‌ای گسترده از تاریخ اسلام است و بحث مستقلی را می‌طلبد و بحث سیره و دسته‌بندی کتاب‌های سیره از حوصله این نوشتار خارج است، از پرداختن به جزئیات این بحث خودداری کردیم.

در ضمن آثارشان به نگارش شرح حال خود اقدام کرده‌اند. مرحوم ملامحسن فیض کاشانی نیز رساله‌ای در شرح حال خود و فهرست آثارش تألیف کرده است.

۷- گاهی شیوه نگارش تراجم در تاریخ‌نگاری اسلامی، بر اساس سال وقوع حادثه است. نگارش تاریخ بر اساس سال وقوع حادثه چنین است که مورخ سال به سال به ترتیب زمان، حوادث تاریخی را می‌نگارد. گاه ممکن است چند حادثه تاریخی در یک سال گرد آیند؛ در این حال مورخ با کلمه «و فیها» بین آن حوادث ارتباط برقرار می‌کند. در این کتابها شرح حال اشخاص مختلف به تناسب زمان و نقشی که در تاریخ داشته‌اند، ذکر می‌شود. از این دست کتابها می‌توان از *عیون التواریخ* ابن شاکر کتبی (م ۷۶۰)، *المنتظم* اثر ابن جوزی (م ۵۹۷)، *البدایة و النهایة* ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴) و *شذراب الذهب فی أخبار من ذهب* ابن عماد حنبلی (م ۱۰۸۹) نام برد.

۸- برخی از آثار تراجم بر اساس وفیات نوشته شده است. در این روش تاریخ وفات رجال، بدون عنایت به اعتبار، علم یا ملاحظات دیگر، محور تدوین قرار می‌گیرد. رعایت تسلسل در زمان، ملاک اصلی تدوین در این مجموعه‌های تاریخی است. یکی از فواید این شیوه از شرح حال‌نگاری آن است که آیندگان به سهولت می‌توانند بر محور تاریخ وفات به تکمیل تألیف گذشتگان بپردازند. اولین کسی که به این سبک کتاب نوشته ابوالحسین عبدالباقی بن قابع بن مرزوق بغدادی (م ۳۵۱) است. کتاب او از هجرت نبوی (صلی الله علیه و آله) تا سال ۳۳۸ هجری را شامل می‌شود. هدف عمده از نگارش کتابهای وفیات، ضبط سندهای حدیث و بیان ملاقات مشایخ هم‌عصر برای شناخت راویان صادق از کاذب است. این فن از اواسط قرن چهارم هجری رایج شده و مورخان مسلمان اهمیت آن را دریافتند. از این زمان به بعد در ضبط و ذکر وفات اشخاص و رجال مترجم تأکید می‌شد. این فن به تدریج متطور شد و زندگی‌نامه فقیهان، مدرسان، ادیبان، شاعران، قاریان، قاضیان، عادلان، محامیان (وکلائی محاکم)، صوفیان، زاهدان، طبیبان، داروسازان، بازرگانان، امیران و وزیران را نیز در بر گرفت. از مهم‌ترین این کتابها می‌توان به *وفیات الأعیان* تألیف ابن خلکان (۶۰۸-۶۸۱)، *الوافی بالوفیات* صلاح‌الدین خلیل بن ایبک صفدی (م ۷۶۴)، *المنهل الصافی و المستوفی بعد الوافی* تألیف ابن تغری بردی، *التکلمة لوفیات النقلة* اثر منذری، *الوفیات* ابن رافع سلامی و *درّة الحجال فی أسماء الرجال* (ذیل *وفیات الأعیان*) از ابن قاضی احمد بن محمد المکناسی (م ۱۲۰۵) و ... اشاره کرد.

۹- برخی از شرح حالها بر اساس طبقات نوشته شده‌اند. طبقات‌نویسی ابتدا از

راویان احادیث شروع شده است؛ یعنی راویان احادیث را به صورت طبقات مرتب می‌کردند. طبقه در عرف اهل حدیث و در اصطلاح ارباب رجال و تاریخ به معنی نسل است. نسل در تعریف متداول مورخان اسلامی به جماعتی گفته می‌شود که توانسته باشند، مشایخ حدیث یا تاریخ را به طور مشترک درک کرده و از آن‌ها بهره علمی گرفته و حدیث نقل کرده باشند. در طبقات گاهی رابطه علمی (استاد و شاگردی)، گاهی رابطه مکانی و گاهی رابطه زمانی را لحاظ می‌کنند و گاهی هم هر سه رابطه را با هم به کار می‌گیرند. معادل این اصطلاح در عصر ما «دوره» است که در مراکز علمی کاربرد دارد. بنا به نقلی از ابن عباس، هر طبقه را شامل بیست سال دانسته‌اند. ذهبی در تاریخ الاسلام زمان هر طبقه را یک عقد، معادل ده سال، دانسته است. طبقه‌نگاری و تدوین تاریخ بر محور طبقات و نسل‌های علمی برای سهولت در شناسایی کیفیت اسناد حدیث و بیان ارسال، انقطاع، اعضاء، تدلیس، مشتبهات، متفقات و مفترقات و نام‌های محدثان بود. تطور طبقه‌نگاری و توسعه این علم، تا قرن‌های بعد، موضوعات دیگری را وارد حوزه خویش کرد که برخی از آنها عبارت‌ند از:

- قاریان: مثل طبقات القراء خلیفة بن خیاط؛

- فقیهان: گاهی شرح حال افراد را با تفکیک مذاهب مختلف فقهی نوشته‌اند؛ برای مثال عناوینی چون طبقات الحنابلة، طبقات الشافعیه، طبقات المالکیه، طبقات الحنفیه در میان اهل سنت از عنوان‌هایی است که در آن تصنیفات فراوان پدید آمده است. گاه در این گونه تألیفات مذهب خاصی را در نظر نمی‌گیرند و فقه‌های تمام مذاهب را می‌آورند؛ مثل طبقات الفقهاء اثر ابواسحاق شیرازی (م ۴۷۶)، الطبقات ابوعاصم محمد بن احمد عبادی (م ۴۵۸) و موسوعة طبقات الفقهاء تألیف گروهی از نویسندگان به اشرف شیخ جعفر سبحانی و ...

- صوفیان، زاهدان و ناسکان: مثل طبقات الصوفیه از ابونعیم اصفهانی (م ۴۰۲)؛

- شاعران: مثل طبقات فحول الشعراء تألیف محمد بن سلام جمحی (م ۳۳۲)؛

- نحویان: مثل طبقات التّحویین زبیدی (م ۳۷۹)؛

- بلیغان: مثل طبقات البلغاء از احمد بن محمد بن یوسف اصفهانی (م ۴۱۵)؛

- خطیبان: مثل طبقات الخطباء اثر احمد بن محمد بن یوسف اصفهانی؛

- مفسران: طبقات المفسرین سیوطی (م ۹۱۱)؛

- قاضیان: مثل قضاة الأندلس تألیف ابوعبدالله خشنی (م ۳۶۱)؛

- طبیبان: مثل طبقات الأطباء ابن جلجل (م ۳۸۴)

- طبقه‌نگاری عالمان: مثل طبقات علماء أفريقيا و تونس از محمد بن احمد بن

تمیم قیروانی (م ۳۳۳)

یکی از فواید طبقه‌نگاری در علوم مختلف آگاهی بر تطور آن علم در گذر زمان می‌باشد؛ زیرا در شرح حال هر عالم، آثار او نیز بررسی می‌شود. با بررسی این آثار می‌توان میزان تطور و پیشرفت هر علم را بررسی کرد.

۱۰- بخشی از کتب تراجم و شرح حال بر اساس رشته‌های خاص علمی یا شغل خاص یا سمت خاصی تألیف شده است. در این گونه شرح حال‌نگاری، اشخاصی که صاحب شغل یا حرفه‌ای خاص بوده‌اند، در یکجا معرفی می‌شوند. تفاوت این آثار با آثار بند پیشین در این است که در آثار بند پیشین، مثلاً فقهاء را بر مبنای طبقات آن‌ها ذکر می‌کنند، ولی در آثار این بند به طبقه افراد توجهی نمی‌شود. علاوه بر آثار بند پیشین می‌توان از کتب علماء المستنصریه تألیف ناجی معروف، وزراء العهد الفاطمی اثر محمد مناوی، قضاة الأندلس ابوالحسن نباهی، شعراء البغداد علی خاقانی، ادباء العرب از بطرس بستانی، جمهرة الخطاطین البغدادیین تألیف ولید أعظمی، مصفی المقال فی مصنفي علم الرجال آقا بزرگ تهرانی و ... یاد کرد.

۱۱- برخی از کتاب‌های شرح حال، علماء و افراد مذهب خاصی را معرفی کرده‌اند. از این گونه کتاب‌ها می‌توان از طبقات الشافعية اسماعیل بن کثیر (م ۷۷۴)، الفوائد البهیه فی تراجم الحنفية لکنهوی هندی، اعیان الشیعه سید محسن امین عاملی و فواید الرضویة فی أحوال علماء الجعفریة تألیف شیخ عباس قمی و ... یاد کرد.

۱۲- برخی از کتاب‌های تراجم، شرح حال افرادی را که به کنیه یا لقب یا نسبت معروف و مشهورند، ذکر می‌کنند. از این گونه کتاب‌ها می‌توان از الأنساب سمعانی، تهذیب الأسماء و اللغات نووی، جمهرة أنساب العرب ابن حزم أندلسی، الإكمال ابن ماکولا، تکملة الإكمال ابن نقطه و الکنی و الالقاب شیخ عباس قمی و ... نام برد.

۱۳- برخی از کتاب‌های شرح حال اختصاص به معرفی زنان دارد. برخی از این نوع کتاب‌ها عبارت‌اند از: اعلام النساء عمر کحالة، أشعار النساء تألیف مرزبانی، الإماءالشواعر تألیف ابوالفرج اصفهانی و محدثات شیعه غروی نائینی و ...

۱۴- برخی از کتاب‌های تراجم به معرفی کسانی که در یک ویژگی خاصی مشترک‌اند، پرداخته است؛ مثلاً علمایی که نابینا بوده‌اند. برخی از این نوع کتاب‌ها عبارت‌اند از: البرصان و العرجان و العمیان تألیف جاحظ، نکت العمیان فی نعت العمیان تألیف صفدی، المحبر (معرفی دیوانگان و کسانی که بیش از سه بار ازدواج کرده‌اند)

تألیف محمد بن حبیب بغدادی (م ۲۴۵)، العلماء العزاب الذين آثروا العلم على الزواج (معرفی دانشمندان عصب) از عبدالفتاح ابوغده و دانشوران روشندل تألیف ناصر باقری بیدهندی و

۱۵- برخی از کتاب‌های تراجم به شرح حال کسانی می‌پردازد که در یک سرزمین مدفون شده‌اند. از این نوع کتاب‌ها می‌توان به من دفن بالمدينة المنورة من الصحابة، الوصول إلى معرفة من دفن بالعراق من أصحاب الرسول، روضة الفردوس تألیف محمد بن احمد بن أمین اقصهری و تربت پاکان قم تألیف عبدالحسین جواهر الکلام و ... اشاره کرد.

۱۶- برخی از کتب شرح حال نیز بدون هیچ قید و بندی به معرفی تمام أعلام پرداخته‌اند. در این‌گونه تصنیفات شرح حال اصناف مختلف از قبیل خلفاء، صحابه، تابعیان، پادشاهان، وزراء، امراء، قضات، کارگزاران، قُرّاء، محدثان، فقها، مشایخ، صلحا، عرفا، نحویان، ادبا، کاتبان، مصنفان، شعراء، اطبا، حکما، تیزهوشان، عقلا، اصحاب فرق و ... ذکر شده است. از این‌گونه تألیفات باید از سیر أعلام التّیلاء تألیف شمس‌الدین ذهبی، وفيات الأعیان ابن خلکان، معجم الأدباء یاقوت حموی، الوافی بالوفیات صلاح‌الدین صفدی، فوات الوفيات ابن شاکر کتبی، حلیة الاولیاء ابونعیم اصفهانی و موسوعة الأعلام فی تاریخ العرب و الإسلام تألیف احمد عبدالرزاق حلیفی یاد کرد. (ر. ک: صفدی، ۱۳۸۱: ۱، ۵۵-۵، مقدمه مصحح؛ کتبی، ۱۴۲۱: ۱، ۵، مقدمه مصحح؛ سخاوی، ۱۴۰۳: ۸۴-۸۶؛ عبدالحمید، ۱۴۲۱: ۱۵۶-۱۵۱؛ حلیفی، ۱۴۱۹: ۱، ۸۳-۱۷؛ سجادی و علم‌زاده، ۱۳۷۰: ۱۴۳؛ آئینه‌وند، ۱۳۷۷: ۱، ۳۳۹-۱۷۱؛ جعفریان، ۱۳۸۲: ۲۷-۲۹؛ جعفریان، ۱۳۷۷: ۱، ۲۳-۲۵؛ جواهر الکلام، ۱۳۸۲: ۱، ۷۶-۲۷؛ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۵، ۱۰۱؛ کحاله، بی‌تا: ۸، ۲۳۵)

۴- آسیب‌شناسی شرح حال‌نگاری

شرح حال‌نگاری نیز همچون سایر رشته‌های علمی می‌تواند دستخوش آسیب‌هایی گردد؛ مهم‌ترین آسیب‌هایی که اصالت و صحت اطلاعات موجود در این رشته را تهدید می‌کند، عبارت‌اند از:

۱- تأثیرپذیری مؤلفان از حب و بغض شخصی و دخالت دادن آن در شرح حال افراد: هم‌عصر بودن دانشمندان در عین اینکه از جهاتی سودمند است، ولی گاه حسادت و رقابت را بر می‌انگیزد؛ برای مثال تصویری که ابوحیان توحیدی، معاصر صاحب بن

عباد، از وی به دست می‌دهد، خلاف رأیی است که ثعالبی نیشابوری، معاصر دیگر او، بیان می‌کند. با مقایسهٔ منصفانه گزارش‌های یادشده می‌توان دریافت که ابوحیان در معرفی شخصیت صاحب بن عباد بر هوای نفس رفته و کینه‌توزانه رفتار کرده است.

۲- اختلاف در تاریخ تولد یا وفات افراد: یکی از مشکلات مربوط به شرح حال‌ها مشخص نبودن تاریخ تولد یا وفات یا اختلاف در تاریخ تولد و وفات فرد است که می‌تواند مشکلاتی را برای خواننده ایجاد کند. برخی از نظرات ارائه‌شده در تاریخ تولد و وفات اجتهادی است و این امر مشکلاتی را برای خوانندگان به بار می‌آورد؛ مثلاً ممکن است یک مؤلف بنا بر اجتهاد خود، وفات فردی را سال ۲۰۲ تشخیص دهد و به تبع آن شرح حال او را در حوادث سال ۲۰۲ ذکر کند، اما شرح حال نگار دیگری تاریخ وفات وی را ۲۰۵ بداند و شرح حال او را در حوادث سال ۲۰۵ قرار دهد. خواننده‌ای که تاریخ وفات آن فرد را سال ۲۰۵ می‌داند، تنها از کتاب دوم می‌تواند استفاده کند و اگر از اختلاف در تاریخ وفات فرد باخبر نباشد، چه بسا فکر می‌کند که مؤلف کتاب نخست، شرح حال این فرد را از قلم انداخته است.

۳- تکرار نام یکی دیگر از مشکلاتی که در تراجم موجود است، تکرار نام یک شخص با عناوین متعدد یا اشتراک افراد در نام است. این مسئله به قدری در این حوزه مشکل ایجاد کرده است که برای رفع آن کتاب‌هایی با عناوین المؤلف و المختلف، التصحیف و التحریف، المشتبه فی الأسماء و الأنساب و ... نگاشته شده است.

۵- نکاتی چند دربارهٔ شرح حال‌نگاری

۱- ترتیب اسامی در کتاب‌های شرح حال گاه بر اساس حروف الفبا و گاه بر اساس طبقات یا وفیات یا ترکیبی از دو یا سه روش پیش تألیف می‌شود. در برخی موارد اندک نیز تنظیم شرح حال‌ها بر اساس ترتیب حروف ابجد یا حروف یونانی (حروف المغاربة) است. (صفدی، ۱۳۸۱: ۱، ۴۲ و ۴۳) البته استفاده از روش اخیر در زمان‌های قدیم بوده و اکنون منسوخ شده است. در ترتیب‌های الفبایی نیز گاهی نام‌های «محمد» و «احمد» را به خاطر احترام به نام حضرت رسول اعظم (صلی الله علیه و آله) پیش از همه اسامی ذکر می‌کنند.

۲- نگارش تراجم اغلب بر سال وفات استوار است، ولی گاهی سال ولادت هم منظور شده است. از این رو برای اجتناب از اشتباه بین سال وفات و تولد، باید با دقت بیشتری متون تراجم را بررسی کرد.

۳- شرح حال برخی افراد گاه در چند کتاب تراجم آمده است. برای قضاوت درباره فرد باید تمام نقل‌های موجود درباره وی را جمع و سپس با تحلیل درست و منصفانه درباره وی قضاوت کرد.

۴- گاه یک شخص با کنیه یا لقب یا نسبتی خاص مشهور بوده است، ولی نام وی مشخص نمی‌باشد. برای پیدا کردن شرح حال این افراد باید به کتاب‌هایی که با عنوان الکنی و الألقاب و الأنساب تألیف شده است، مراجعه کرد.

۵- یکی از ضعف‌هایی که برخی کتب تراجم دارند، عدم ذکر مراجع و مأخذ مطالب است؛ در این‌گونه موارد مراجعه به منابع قدیمی‌تر، جهت اطمینان از اصالت و صحت مطالب، ضروری است.

۶- اطلاعات موجود در کتاب‌های شرح حال و تراجم

با مطالعه و بررسی منابع شرح حال‌نگاری می‌توان به اطلاعات زیر دست یافت:

- نام فرد، نام پدر، جد، قبیله و ...؛
- تاریخ و محل تولد و وفات فرد؛
- محل زندگی فرد؛
- اساتید و شاگردان وی؛
- ویژگی‌های ظاهری فرد؛
- مدح و ذم (عیوب و کمالات) فرد؛
- ذکر برخی از آرای شخصی او؛
- ذکر برخی از نظرات درباره او؛
- سفرها؛
- [در مورد روایات] ذکر برخی از روایات آن‌ها؛
- [در مورد پادشاهان] زمان آغاز و انجام پادشاهی آن‌ها؛
- [در مورد وزراء و امراء] زمان آغاز و انجام وزرات و امارت آن‌ها و اینکه از طرف چه کسی انتخاب شده‌اند؛
- [در مورد قضات] مدت و محل قضاوت و اینکه از طرف چه کسی به قضاوت منصوب شده است؛
- تألیفات فرد؛
- عقیده و مذهب او؛

- آثار سیاسی و اجتماعی وی؛

- ذکر نمونه‌ای از اشعار او در صورتی که مترجم شعر نیز سروده باشد؛

- رشته علمی فرد؛

- صنف وی؛

- شغل و حرفه او؛

- و ...

البته باید توجه داشت که این اطلاعات یکجا در همه کتاب‌های تراجم ذکر نمی‌شود، بلکه اگر مجموع کتاب‌های تراجم را در نظر بگیریم، کم و بیش این اطلاعات در آنها پیدا می‌شود.

نتیجه‌گیری

تراجم یا شرح حال‌نگاری، شاخه مهمی از تاریخ اسلام است که زندگی بزرگان و علما و افرادی را که به نوعی در تاریخ نقش داشته‌اند، مورد بررسی قرار می‌دهد. این شاخه با علوم انساب، رجال و سیره رابطه نزدیک دارد. اولین کسی که درباره شرح حال بزرگان کتاب نوشته است، عبیدالله بن ابی‌رافع است که کتاب من شهد من الصحابة مع امیر المؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام را نگاشته است. بعد از عبیدالله، افرادی چون ابومخنف (م ۱۵۷)، هشام بن محمد بن سائب کلبی (م ۲۰۴)، هیثم بن عدی (م ۲۰۸)، واقدی (م ۲۰۷)، نصر بن مزاحم منقری (م ۲۱۳) و دیگران دست به تألیف در این زمینه زده‌اند. با گذشت زمان کتاب‌های تاریخ و اخبار از موضوعات پراکنده به کتاب‌های جامع و کامل تبدیل شدند. خلیفه بن خیاط (م ۲۴۰)، ابن قتیبه دینوری (م ۲۷۰)، یعقوبی (م ۲۸۴) و طبری (م ۳۱۰) از کسانی هستند که در این زمینه گام برداشتند. در این آثار، سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله)، احوال و شخصیت اصحاب آن حضرت و خلفای چهارگانه بیشتر مورد توجه بوده است. در میان شیعه نیز از همان ابتدا مهم‌ترین مسئله در شرح حال‌نگاری، سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه اهل بیت (علیهم السلام) بوده است. در میان ائمه نیز، شرح حال و مقتل حضرت اباعبدالله (علیه السلام) بیش از بقیه مورد توجه قرار گرفته است. شرح حال‌نگاری دارای سبک‌ها و گونه‌های متنوعی است که آن جمله می‌توان به معرفی صحابه، شرح حال راویان، شرح حال افراد در قالب شهرها، بیان شرح حال افراد در بازه‌های زمانی مشخص، بیان مناقب و مثالب افراد، خودشرح حال‌نگاری (السیره الذاتية)، شرح حال افراد بر اساس

سال وقوع حادثه، وفیات‌نگاری، طبقات‌نگاری، شرح حال افراد در رشته‌ها و شغل‌های خاص، شرح حال افراد مذاهب فقهی خاص، شرح حال افرادی که به کنیه یا لقب یا نسبت معروف و مشهورند، شرح حال زنان، شرح حال افرادی که ویژگی‌های مشترکی دارند و شرح حال جامع اشاره کرد. در شرح حال‌نگاری برخی آسیب‌ها و مشکلات هم وجود دارد که از آن جمله به تعارض در شرح حال افراد، مشخص نبودن تاریخ تولد یا وفات یا اختلاف در تاریخ تولد و وفات فرد و تکرار نام یک شخص با عناوین متعدد می‌توان اشاره کرد. اطلاعات متنوعی در شرح حال افراد بیان می‌گردد که عبارت‌اند از نام فرد، نام پدر، جد، قبیله، تاریخ و محل تولد و وفات وی، محل زندگی، اساتید و شاگردان او، ویژگی‌های ظاهری و مدح و ذم (عیوب و کمالات) وی، ذکر برخی از آرای فرد، سفرها، ذکر روایات راوی، آغاز و انجام حکومت پادشاهان و زمان آغاز و پایان تصدی وزراء و امراء و قضات، محل و مدت حکومت و امارت و قضاوت، تألیفات، عقیده و مذهب، آثار سیاسی و اجتماعی، رشته علمی، صنف، شغل و حرفه مترجمین.

کتابنامه

- ۱- ابن‌سیده، علی بن اسماعیل بن سیده المرسی، ۱۴۲۱: المحکم و المحيط الأعظم، تصحیح: عبدالحمید الهنداوی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ۲- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۳۲۸: لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- ۳- ایزدی، حجت‌الله، ۱۳۷۵: «علم تاریخ و جایگاه آن در میان علوم»، مجله مصباح، شماره ۱۸ صص ۱۱۷-۱۳۴.
- ۴- آئینه‌وند، صادق، ۱۳۷۷: علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۵- بلخی، محمد بن خاوند شاه، بی‌تا: روضة الصفا، تهذیب و تلخیص: دکتر عباس زریاب، بی‌جا: بی‌نا.
- ۶- بیهقی، علی بن زید معروف به ابن‌فندق، بی‌تا: تاریخ بیهقی، تصحیح و تعلیق: احمد بهمینیار، بی‌جا: بی‌نا.
- ۷- جعفریان، رسول، ۱۳۷۷: تاریخ سیاسی اسلام، سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، قم: الهادی.
- ۸- _____، ۱۳۸۲: منابع تاریخ اسلام، قم: انصاریان، چاپ دوم.
- ۹- جواهرالکلام، عبدالحسین، ۱۳۸۲: تربت پاکان قم (شرح حال مدفونین در سرزمین قم)، قم: انصاریان.
- ۱۰- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۱: الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، تصحیح: احمد عبدالغفور العطار، بیروت: دار العلم للملایین.
- ۱۱- حلیفی، احمد عبدالرزاق، ۱۴۱۹: موسوعة الأعلام فی تاریخ العرب و الإسلام، بیروت: دارالبشیر و مؤسسة الرسالة، چاپ اول.
- ۱۲- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷: لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، چاپ بیست و دوم.

- ۱۳- زبیدی، محمد مرتضی الحسینی الحنفی، ۱۴۱۴: تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح: علی شیری، بیروت: دار الفکر، چاپ اول.
- ۱۴- سبحانی، جعفر، ۱۴۱۴: کلیات فی علم الرجال، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ۱۵- سجادی، صادق و هادی علمزاده، ۱۳۷۰: تاریخ نگاری در اسلام، تهران: سمت، چاپ اول.
- ۱۶- سخاوی، محمد بن عبدالرحمان، ۱۴۰۳: الإعلان بالتبویخ لمن ذم التاريخ، بیروت: دار الكتاب العربی.
- ۱۷- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۱۷: تدریب الروای فی شرح تقریب التواوی، بیروت: دار الكتاب العربی.
- ۱۸- عبدالحمید، صائب، ۱۴۲۱: علم التاريخ و مناهج المورخین، بیروت: الغدیر.
- ۱۹- صدر کاظمی، حسن، ۱۳۷۵: تأسيس الشيعة لعلوم الإسلام، قم: انتشارات اعلمی.
- ۲۰- صفدی، خلیل بن ایبک، ۱۳۸۱: الوافی بالوفیات، باعتناء هلموت رویتر، بی جا: النشرت الإسلامیه.
- ۲۱- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵: مجمع البحرین، تصحیح: سید احمد حسینی، تهران: انتشارات مرتضوی.
- ۲۲- طهرانی، آقا بزرگ، ۱۴۰۳: الذریعة الی تصانیف الشيعة، بیروت: دار الاضواء، چاپ سوم.
- ۲۳- کحالة، عمر رضا، بی تا: معجم المؤلفین تراجم مصنفی الکتب العربیة، بیروت: مکتبة المثنی و دار الاحیاء التراث العربی.
- ۲۴- کتبی، محمد بن شاکر، ۱۴۲۱: فوات الوفيات، تصحیح: شیخ علی محمد یعوض و عادل احمد عبدال موجود، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
- ۲۵- ملایی توانی، علیرضا، ۱۳۸۶: در آمدی بر روش پژوهش در تاریخ، تهران: نشر نی.
- ۲۶- شریف رضی، ۱۳۸۱: نهج البلاغه، ترجمه: محمود دشتی، قم: انتشارات مشهور، چاپ چهارم.
- ۲۷- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، ۱۴۱۶: فهرست أسماء مصنفی الشيعة، المشتهر برجال النجاشی، تصحیح: سید موسی شیبیری زنجانی، قم: جامعه مدرسین، چاپ پنجم.
- ۲۸- نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطباء)، ۱۳۴۳: فرهنگ نفیسی، تهران: کتابفروشی خیام.